



فدیر

و علل فراموشی آن

دکتر سید محمد مرتضوی

مرتضوی، محمد، ۱۳۳۵ -
غدير و علل فراموشی آن / تألیف محمد مرتضوی. - مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۰. - ۲۷۶ ص.

ISBN : 978-964-971-507-0

۲۹۷/۴۵۲
۲۵۹۹۴۱۷

غدير خم، الفد بنیاد پژوهشهای اسلامی، بد عنوان.
۱۳۹۰ غ ۴ / ۵ / ۲۲۳ BP
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



غدير

و علل فراموشی آن

دکتر سيد محمد مرتضوی

ویراستار: محسن ربیعی

چاپ اول: ۱۳۹۱ / ۳۰۰۰ نسخه، رقی / قیمت ۴۳۰۰۰ ریال
چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۹۱۷۳۵-۲۶۶

مراکز توزیع:

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۲۲۳۰۸۰۲
فروشگاههای کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۲۲۳۲۹۲۳، قم: ۷۷۳۳۰۲۹

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

مقدمه	۹
-------	---

فصل اول

شرایط جامعه نبوی در آستانه ارتحال رسول خدا ﷺ	۱۷
۱- وحدت فکری و عملی مسلمانان عصر رسول خدا ﷺ	۱۷
۲- تبعیت مسلمانان از رهبری	۲۵
۳- نبودن دشمن برای اسلام و رسول خدا ﷺ	۲۹
تلاش دشمنان رسول خدا ﷺ	۳۱
الف) خطرهای خارجی	۳۱
ب) خطرهای داخلی	۴۱
۱) ناآگاهی از اندیشه‌های دینی	۴۱
۲) تحجر	۴۲
۳) نفاق	۴۵

..... ۴	غدير و علل فراموشی آن
..... ۶۲	(۴) سياستمداران
..... ۶۴	(۵) هواى نفس
..... ۶۵	(۶) فقدان رهبرى
..... ۶۸	(۷) وجود يهود در منطقه

فصل دوم

..... ۷۰	راههاى تداوم نهضت رسول خدا ﷺ
..... ۷۰	طرحهاى قابل تصور
..... ۷۰	فرض اول: بي‌تفاوتى رسول خدا ﷺ
..... ۷۱	الف - احساس امانت
..... ۷۲	ب - پايان يافتن وظيفه
..... ۷۴	فرض دوم: نظام شورايى
..... ۸۹	فرض سوم: واگذارى به تکتک صاحبها

فصل سوم

..... ۱۰۸	دلالت غدير بر امامت
..... ۱۰۸	۱ - زمينه سازى
..... ۱۱۵	۲ - واگذارى رهبرى جامعه به امام على عليه السلام در غياب رسول خدا ﷺ
..... ۱۲۹	۳ - نفى مدعيان رهبرى

فهرست مطالب.....	۵
۴ - معرفی رسمی و واگذاری قطعی.....	۱۳۰
تبلیغات برای آخرین حج.....	۱۳۰
آغاز حرکت.....	۱۳۱
اولین هشدار درباره رهبری آینده.....	۱۳۲
برگزاری مراسم معارفه رسمی علی (علیه السلام).....	۱۳۳
الگیزه اجرای مراسم در آن مکان.....	۱۳۸
قراین غدیر.....	۱۳۹
۱- نزول آیات.....	۱۳۹
۱-۲- آیه تبلیغ.....	۱۴۴
۲- عمامه گذاری علی (علیه السلام).....	۱۵۳
۳- تبریک گفتن به علی (علیه السلام) به عنوان رهبر مسلمانان.....	۱۵۳
۴- سروده شاعران.....	۱۵۴
۵- اعتراف صحابه.....	۱۵۶
۶- فهم صحابه.....	۱۵۷
۷- اطلاق لقب مولا بر علی (علیه السلام).....	۱۵۷
۸- مناشده به حدیث غدیر.....	۱۵۸
۹- نزول آیه عذاب.....	۱۶۳
۱۰- قرائت تفسیری صحابه.....	۱۶۵

۶..... غدیر و علل فراموشی آن

خطبه غدیر ۱۶۶

دلالیت کلمه «مولا» بر خلافت و امامت ۱۶۸

فصل چهارم

شیوه‌های فراموشاندن غدیر ۱۷۶

۱- بروز اختلافهای داخلی در مدینه ۱۷۷

خالی کردن صحنه از رقیبان ۱۷۷

قداهای مخالفان رهبری علی علیه السلام ۱۷۹

نوشتن سند رسمی ۱۸۵

۲- وقت کشی یا فرصت سوزی ۱۸۶

۳- سوار شدن بر موج جلسه انتخاباتی انصار ۱۸۸

تلاش عمر برای به قدرت رساندن ابوبکر ۱۹۰

سوء استفاده از وابستگی به رسول خدا صلی الله علیه و آله ۱۹۱

۴- امتیاز دادن به انصار ۱۹۲

بروز اختلاف بین انصار ۱۹۳

تمایل نداشتن عمر و ابو عبیده به خلافت ۱۹۶

حضور نداشتن بنی هاشم ۱۹۷

تحلیل عمر از جریان سقیفه ۱۹۹

۵- جذب نیروهای بی طرف ۲۰۱

فهرست مطالب ۷

۶- ایجاد رعب و وحشت ۲۰۲

۷- فضیلت تراشی ۲۰۳

۸- به میدان آوردن طرفداران ۲۰۵

۹- استفاده از خشونت ۲۰۶

۱۰- طرح حاکمیت دوگانه ۲۰۷

۱۱- کشتن مخالفان و تعقیب نکردن قاتلان ۲۰۸

۱۲- سرکوبی مخالفان به بهانه ارتداد ۲۰۹

۱۳- مصادره اموال اهل بیت علیهم السلام ۲۱۰

فدک ۲۱۱

۱۴- جلوگیری از پرداخت حقوق قانونی اهل بیت علیهم السلام .. ۲۱۴

۱۵- طرح دشمن فرضی ۲۱۷

۱۶- خریدن افراد بانفوذ و خطر آفرین ۲۱۸

۱۷- ادعای تبعیت از پیامبر ۲۱۹

۱۸- طرح کشتن امام علی علیه السلام ۲۲۰

۱۹- ترور شخصیت ۲۲۰

۲۰- جعل حدیث ۲۲۱

۲۱- حذف غدیر از تاریخ ۲۳۲

۲۲- امتناع از بردن نام علی علیه السلام ۲۳۴

.....	غدير و علل فراموشی آن	۸
.....	۲۳- حقیقت پوشی	۲۳۵
.....	۲۴- تحریف تاریخ	۲۳۷
.....	۲۵- تبلیغات بر ضد امام علی علیه السلام	۲۳۸
.....	۲۶- نسبت‌های ناروا به امام علی علیه السلام	۲۴۲
.....	۲۷- تشویق مخالفان	۲۴۴
.....	۲۸- رشوه دادن برای از بین بردن یاران امام	۲۴۵
.....	۲۹- تهدید و ارعاب	۲۴۷
.....	۳۰- تحریف تاریخی فضایل امام علی علیه السلام	۲۵۳
.....	۳۱- حذف نام علی علیه السلام از کتاب‌ها	۲۵۹
.....	۳۲- نابود کردن کتب فضایل علی علیه السلام	۲۶۱
.....	۳۳- حذف نام طرفداران علی علیه السلام در اهل سنت	۲۶۱
.....	۳۴- به صحنه نیامدن طرفداران اهل البیت علیهم السلام	۲۶۲
.....	کتابنامه	۲۶۵

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد خاتم الانبياء والمرسلين وآله الطيبين الطاهرين، لاسيما عليّ امير المؤمنين وامام المتقين.

مقدمه

قرآن، كلام خدا و معجزه ابدی رسول خدا ﷺ است و اولین و مهم ترین منبع اسلام شناسی است. قرآن با همه غنا، سرشاری و شفافیت ذاتی، برای اینکه در دسترس عقل و تجربه انسانی قرار گیرد و نیازهای متنوع و نوپیدای امت ها را در طول تاریخ پاسخگو باشد، نیازمند بیان و تبیین معلمانی وحی آسنا و عالمانی ربّانی و راسخ در علم اند: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۱.

«و ما این ذکر [= قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوری مردم نازل شده است برای آن ها روشن سازی؛ و تا اندیشه کنند».

البته این انسان‌ها باید که برای بهره‌گیری از زلال قرآن، ناگزیرند به اهل ذکر و صاحبان دانشِ مصون از خطا مراجعه کنند؛ چرا که به تصریح قرآن، ویژگی‌هایی در کلام جاودان وحی نهفته است که بشر را نیازمند درس‌آموزی از مکتب پیامبر و عترت او ساخته است. این ویژگی‌ها عبارت است از:

۱- آیات متشابه: بدون تردید خداوند، آیات قرآن را به دو گونه محکم و متشابه تقسیم کرده است؛ آیات محکم را اساس کتاب نامید و تصریح کرده است که آیات متشابه دستاویز عده‌ای قرار می‌گیرد که روحی تربیت نشده و ناستوار دارند:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾؛ او این کتاب را بر تو نازل کرد که بخشی از آن آیه‌های محکم‌اند (= صریح و روشن) که اساس کتاب‌اند و بخشی از آن متشابهات‌اند (که تأویل پذیرند)؛ آنان که درویشانِ میل به باطل دارد از متشابه پیروی می‌کنند و برایش تأویل می‌تراشند تا فتنه‌انگیزی کنند و حال آن‌که جز خدا کسی تأویل آن را نمی‌داند و راسخان در علم می‌گویند که به آن ایمان داریم همه آن از

جانب پروردگار ماست و جز خردمندان یادآور نمی‌شوند. بر این اساس، دست‌کم این بخش از آیات قرآن نیاز به مفسر و مبیین دارد که با علم الهی بتواند مقصود واقعی خداوند را از این آیات بیان کند.

۲- فشرده‌گی و جامعیت معارف قرآنی: آیات قرآن در بخش احکام بسیار کلی است و به جزئیات احکام نپرداخته است به طوری که به دست آوردن احکام جزئی از قرآن برای همه کس ممکن نیست؛ و از این رو در این زمینه نیز قرآن به مفسری نیاز دارد که با برخورداری از علم الهی، احکام دینی را با استفاده از اشارات کلی قرآن برای مردم بیان کند.

۳- تحولات جامعه بشری: زندگی بشر روز به روز در مسیر تغییر و تحول است و هر تحولی در جامعه بشری به تغییر رفتار انسان با خود و دیگران می‌انجامد و در نتیجه احکام جدیدی را می‌طلبد؛ بسیاری از پدیده‌ها در عصر نزول قرآن وجود نداشته و در نتیجه احکام مربوط به آن‌ها، در آیات بیان نشده است؛ به عنوان مثال، پیوند اعضا در عصر نزول قرآن مطرح نبوده است و حتی کسی هم تصور نمی‌کرد که روزی بشر به چنین چیزی نیاز داشته باشد تا احکام آن را از رسول خدا ﷺ بپرسند ولی امروز این مسئله یکی از نیازهای جامعه بشری است که در آیات قرآن اشاره‌ای بسیار اجمالی، به آن نمی‌توان یافت. از این رو برای نحوه

استنباط و بیان حکم این گونه مسائل به شخصی نیاز داریم که علم الهی در اختیارش باشد.

۴- همراه بودن آیات قرآن با شأن نزول: هر متکلمی در تبیین مراد خود با توجه به قرائن موجود حالی و مقالی سخن می گوید و چون این نوع قرائن در فهم مقصود از کلام دخالت دارند کلام خود را بر همین قرائن متکی می کند. به عبارت دیگر شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مخاطب در صدور کلام و مقصود آن تأثیرگذار است که از این شرایط در علوم قرآنی به شأن نزول تعبیر می کنند. به خصوص آیات قرآن که می باید در تحولات اجتماعی و فرهنگی آن روز، موضع پیامبر و مسلمانان را مشخص کند به ناچار بخشی از آیات، آمیخته به این شرایط است که با گذشت زمان فهم آن ها بدون بازسازی آن شرایط، مشکل می نماید؛ برای مثال وقتی منافق در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله دست به اقدامی می زد و خداوند می خواست این اقدام را افشا کند اسم شخص را به دلایل متعدد نمی آورد؛ ولی مسلمانان عصر نزول قرآن، مقصود آیه را می فهمیدند که چه کسی است، یا اینکه وقتی خداوند می خواست از شخصی تجلیل کند، آیه به صورت کلی گفته می شد که مؤمنان چنین هستند؛ ولی مسلمانان با توجه به کاری که انجام گرفته بود می فهمیدند که مقصود چه کسی است. با گذشت زمان و از میان رفتن قرائن در فهم بخشی از آیات دچار مشکل شده ایم؛ بنابراین برای بیان حقیقت در این موارد هم

به علمی فراتر از دانش بشری نیازمندیم تا بتواند واقعیت آن روز تاریخ را برای ما بیان کند.

با توجه به نکات یاد شده، قرآن برای هدایت‌گری، نیازمند کسی است که آن را تفسیر کند این مفسر باید دو ویژگی مهم داشته باشد:

الف - دانش او الهی و فرابشری باشد تا احتمال خطا در آن به صفر برسد.

ب - مفسر از چنان قدرت معنوی برخوردار باشد که در بیان احکام الهی و تفسیر کتاب خدا هیچ انگیزه‌ای همانند حبّ و بغض، ترس، کسب قدرت و ثروت و در او اثر نگذارد، به چنین قدرت معنوی «عصمت» می‌گویند.

بنابراین ما برای تفسیر درست قرآن با توجه به ابعاد گسترده و معارف عمیق و دقیق آن و داشتن ظُهر و باطن، نیازمند مفسری هستیم که دو ویژگی علم الهی و عصمت خدادادی را داشته باشد؛ از طرفی این دو ویژگی مهم، به ویژه عصمت پدیده‌ای است که انسان‌ها راهی برای کشف آن ندارند.

بر این اساس در اندیشه شیعه امامیه، جانشین پیامبر ﷺ باید دارای دو ویژگی یاد شده باشد و چون راهی برای اثبات آن‌ها نداریم، نصب جانشین پیامبر ﷺ به عهده خداوند می‌باشد و

مسئولیت تبلیغ آن به عهده پیامبر ﷺ است.^۱

پیامبر ﷺ آنرا در موارد متعدد با عبارت‌های گوناگون بیان کرده است از آن جمله در روز هجدهم ذی‌الحجه سال دهم هجری به هنگام بازگشت از حجة‌الوداع در منطقه غدیر خم آشکارا امام علی علیه السلام را جانشین بلا فصل خود معرفی کرد ولی بیشتر اهل سنت بر این باورند که نصب جانشین پیامبر ﷺ بر عهده خداوند نیست و پیامبر نیز در این مسئله دخالت نکرده بلکه آنرا به امت اسلامی واگذار کرده است.^۲

عده‌ای از اهل سنت بر این باورند پیامبر ﷺ در غدیر چیزی برای جانشینی خود نگفته است.^۳ برخی نیز بر این باورند که غدیر حقیقت دارد، پیامبر ﷺ نیز سخنانی درباره علی بن ابی طالب علیه السلام گفته است ولی بر نظریه شیعه دلالت نمی‌کند.^۴ و بعضی بر این باورند که نمی‌توان پذیرفت که پیامبر ﷺ چیزی درباره علی علیه السلام گفته باشد ولی صحابه پیامبر ﷺ نسبت به آن بی تفاوت باشند؛ به

۱- حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۲۲۵؛ مفید، اوائل المقالات، ص ۶۵؛ علم الهدی، الذخیره فی علم الکلام، ص ۴۳۶؛ همو، شرح جمل العلم والعمل، ص ۱۹۹؛ اسدآبادی، المقنعة فی الامامة، ص ۱۴۵؛ رازی، الشفا من التقليد، ج ۲، ص ۲۹۶.

۲- بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۳۹۴.

۳- رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۶، ص ۴۶۶.

۴- ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۴، ص ۱۶۷.

عنوان نمونه محمد عزه دروزه (د ۱۴۰۴ق)، از مفسران معاصر اهل سنت، می‌گوید:

«اگر رسول خدا ﷺ نسبت به یک برده حبشی هم وصیت می‌کرد که جانشین او باشد، اصحابش به خصوص بزرگان صحابه و به ویژه برجستگان آنان همانند ابوبکر، عمر و عثمان با تمام فروتنی و بدون تردید، آن وصیت را اجرا می‌کردند، تا چه رسد به این که وصیت درباره علی بن ابی طالب قریشی از نسل هاشم، صحابی بزرگوار، مجاهد بزرگ و دانشمند بی نظیر باشد؛ زیرا در آن دوران مسئله حکومت و سیاست مطرح نبوده، بلکه آنچه در بین صحابه مهم بود مسئله عقیده و ایمان بود»^۱.

گذشته از اهل سنت که نمی‌توانند بپذیرند که صحابه چگونه به دستور رسول خدا ﷺ عمل نکردند، در بین شیعه نیز گاهی این سؤال مطرح می‌شود که مخالفان امیرالمؤمنین (علیه السلام) چگونه و با استفاده از چه روش‌هایی توانستند این حادثه مهم را به فراموشی بپارند؟ نوشتاری که پیش‌رو دارید در مقام پاسخ‌گویی به این دو سؤال اساسی است. امید که این نوشته گامی در جهت خدمت به حقیقت باشد و مورد رضای حق قرار گیرد.

در پایان این مقدمه، یادآوری سه نکته شایسته می‌نماید:

۱- جانشینی رسول خدا ﷺ در دنیای اسلام اختلافی است.

شهرستانی می گوید: هیچ مسئله‌ای از مبانی اسلام مانند امامت موجب خشونت و درگیری میان مسلمانان نشده است^۱. بنابراین از خواننده محترم انتظار می‌رود، موضوع را با سعه صدر، و بدون تعصب و نگاهی منصفانه مطالعه کند.

۲- این نوشتار نیز مانند هر نوشته بشری خالی از کاستی نیست؛ بنابراین از خوانندگان محترم تقاضا داریم نظرات خود اعم از انتقادهای و پیشنهادهای خود را به آدرس ناشر ارسال کنند.

۳- هنگام مطالعه ضمن دعا برای فرج امام عصر (عج) ما را نیز از دعای خیر فراموش نفرمایید.

شهد مقدس، ۲۰ رمضان ۱۴۳۰ هـ. ق.

مطابق با ۱۹ شهریور ۱۳۸۸. سید محمد مرتضوی